

جستاری درباره تاریخ تجدیدنظرطلبی یک جریان سیاسی

دوم خرداد؛ کوششی ناکام علیه حاکمیت دینی

محمدحسین نظری
روزنامه‌نگار



بیراه نیست اگر فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا دوم خرداد ۱۳۷۶ را مهم‌ترین دوره حیات فکری جریان چپ سیاسی در ایران بدانیم. وجه این اهمیت را باید در تغییر جهت کلی آنها در نسبت با گفتمان انقلاب اسلامی و هم مدعی این جریان در دهه اول پس از انقلاب جست‌وجو کرد. اگرچه برخی معتقدند که چپ‌ها از همان ابتدا چندان با مبانی فکری انقلاب همراه نبودند، اما حتی اگر چنین باشد، تقریباً تا پیش از رحلت امام (ره) این رویه چندان آشکار نیست. راقم سطور بر آن است که اگرچه رگه‌هایی از تجدیدنظرطلبی در میان برخی طیف‌های این جریان در دهه نخستین انقلاب قابل استشمام است، اما اختلاف مواضع و گفتارها نشان می‌دهد که دست‌کم ایده منسجم و آگاهانه‌ای در کار نبود. از طرفی، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گفتمانی انقلاب اسلامی همچون استکبارستیزی، مستضعف‌گرایی، ولایت‌مداری و حتی هواخواهی تمدن دینی ملک طلق چپ‌ها در دهه ۶۰ بود و شخصیت‌های برجسته این جریان بزرگ‌ترین مدعیان این عنصر دینی بودند. بنابراین به آسانی نمی‌توان گذشته کسانی که معتقد بودند «بناشد دستمان را پیش دیگران دراز کنیم [چون] تمدن اسلامی بر سایر تمدن‌ها مقدم است» (روزنامه کیهان، ۱۳۶۲) را نادیده گرفت.

از آغاز دهه دوم انقلاب اسلامی، برخی رهبران جریان چپ به تدریج از قدرت کنار رفتند و با تشکیل حلقه‌های فکری و تأسیس مراکز مطبوعاتی، در صدد تنویریه کردن تجدیدنظرطلبی در مبانی انقلاب و حاکمیت دینی به نفع تجددخواهی برآمدند و طیف‌ها و سلیقه‌های مختلف نیز با این رویکرد همراه شدند؛ یعنی تا سال ۱۳۷۶ و در یک بازه زمانی تقریباً هشت ساله، بتدریج نحوه خودآگاهی نسبت به مؤلفه‌های تجدیدنظرطلبانه در میان چپ‌ها پیدا شد.

نظریه‌پردازان و تحلیلگران اصلاح‌طلب تقریباً متفق‌اند که در فاصله رحلت امام (ره) تا پیروزی جریان دوم خرداد، اندیشه و گفتار چپ‌ها عمدتاً در سه پایگاه «شاگردان سروش»، «مرکز مطالعات استراتژیک» و «دانشجویان مشغول به تحصیل در خارج از کشور» تولید می‌شد. حلقه «کیان» به عنوان مهم‌ترین گعده فکری اصلاح‌طلبان، ترکیبی از این سه پایگاه عمده بود که طیفی از شاگردان سروش مثل آرش نراقی، ناصر هادیان، سروش دیباغ و برخی اعضای مرکز استراتژیک ریاست جمهوری مثل سعید حجاریان، علیرضا علوی‌نبار، عباس عبیدی و همچنین محمدرضا جلایی‌پور، هادی سمتی و برخی از دانشجویان مشغول به تحصیل خارج از کشور را دور هم جمع کرده بود. در واقع رهبر فکری چپ‌ها دست کم در مواجهه با مبانی معرفت دینی، عبدالکریم سروش بود که در اواخر دهه شصت با انتشار «قبض و بسط تئوریک شریعت» تحول نظری خود را آشکار کرد. مهمترین هدف حلقه کیان نقد معارف شیعه بر مبنای دواصل «سکولاریسم» و «پلورالیسم دینی» بود. کیان در ابتدا تلاش کرد که میان مبانی دینی و اصول تجدید جمع کند و از این جهت ایده «قبض و بسط شریعت» را ایده‌ای مناسب برای این منظور یافت. این البته موضع آغازین حلقه‌های فکری اصلاح‌طلبان است و به تدریج موضع سکولاریستی این جریان ایجاد جدی‌تری پیدا کرد و میان دینی به زینت مجالس گعده‌های روشنفکری تقلیل یافت. چنانکه عبدالکریم سروش در همین مجله کیان نوشت «در جهان جدید انسان‌ها حق دارند و نه تکلیف که دین داشته باشند؛ یعنی اجازه دارند که متدین باشند. اما اگر نخواستند می‌توانند دین دار هم نباشند.» (سروش، ۱۳۷۶، ص ۵) و پیش از این با طرح نظریه «دین حداقلی» در صدد برآمده بود که دست دین را از امور اجتماعی-سیاسی

در دوره قدرت سیاسی دوم خرداد خدا و قرآن و پیغمبر و امام و عصمت و همه اصول و مبانی دینی به آسانی و بی پروا مورد حمله قرار گرفت و تلاش برای اعتبار زدایی از حکومت دینی به اوج رسید. با این حال، بر خلاف ادعای لیبرال‌های این جریان که دائماً بدنه اجتماعی و اقبال عمومی می‌گویند و خود را نماینده آحاد ملت به حساب می‌آورند، طرح‌های رفرمیستی آنها به دلیل ناهمسازی با روحیه دینی مردم ایران، هیچگاه مورد اقبال عمومی قرار نگرفت و بحران سازی‌های اصلاح طلبان هر بار و در هر برهه و اکتش قاطع مردم را به دنبال داشت

کوتاه کند و تأکید می‌کرد که «از اهم بارهایی که نباید بر دوش دین نهاد، بار حکومت دینی کامل است.» (سروش، ۱۳۷۳، ص ۱۶) به هر حال حلقه کیان و برخی دیگر از مهم‌ترین مجموعه‌های چپ مثل حلقه «آیین» به کمک ارگان‌های مطبوعاتی اصلاح‌طلبان، تجدیدنظرطلبی را از حوزه معرفتی آغاز کردند. در این باره سعید حجاریان تصریح کرده که «اگر اصلاحات را چند بخش در نظر بگیریم، فرم نواندیشی دینی آن زودتر آغاز شده‌است و در واقع این بخش به اضطرار حکومت شروع کرد و دکتر سروش، استارت این نواندیشی دینی را زد و اصلاحات دینی را آغاز کرد.»

دوم خرداد ۱۳۷۶، چپ‌ها که یک دوره فعالیت تئوریک را پشت سر گذاشته بودند وارد فاز عملیاتی شدند. به نظر وقت آن رسیده بود آنچه در گعده‌ها و در محافل علمی و در پوشش روشنفکری دینی، در لاف‌ها و با کنایه و مجاز و استعاره مطرح می‌شد، عملیاتی شود و به قول سروش، «بار حکومت دینی از دوش دین برداشته شود.» طرح ایده «ولایت انتخابی مقیده فقیه» و «تختنه‌شان ولایت فقیه، حضور لیبرال‌های دوم خرداد در نشست‌های ضدیستی، مثل کنفرانس قبرس در سال ۷۸ و کنفرانس برلین در سال ۷۹، تحریک جامعه علیه مبانی دینی توسط روزنامه‌های زنجیره‌ای همچون حوادث سال ۷۸،

بحران‌سازی علیه جمهوری اسلامی با طرح مسائل ساختار شکنانه مثل لویایح دوقلو، طرح ایده‌هایی مثل جامعه مدنی و انبوهی از اقدامات و اظهارات ضد دینی و تجدیدنظرطلبانه، قرائتی است که نشان می‌دهد دوم خرداد در حقیقت شروع فاز عملیاتی طراحی چپ‌ها برای عبور از حاکمیت دینی بود. نظریه‌پردازان اصلاح‌طلب که تا دیروز در فکر جمع دین و تجدد بودند، در دوره دوم خرداد بی‌پروا نسخه‌های ضد دینی تجویز کرده رسماً حاکمیت دین را ناکارآمد و نامطلوب خواندند. رهبر فکری دوم خرداد می‌گوید که تا پیش از این جانب احتیاط را مراعات می‌کرد، اعلان داشت که «امروز تمدن متجدد غرب، ما مسلمانان را دچار بحران هویت نموده و دین توان رویارویی با تمدن غربی را ندارد. تنها منجی، عقلانیت مستقل است.» (کیان، مهر و آذر ۷۸)

به هر حال در دوره قدرت سیاسی دوم خرداد خدا و قرآن و پیغمبر و امام و عصمت و همه اصول و مبانی دینی به آسانی و بی‌پروا مورد حمله قرار گرفت و تلاش برای اعتبار زدایی از حکومت دینی به اوج رسید. با این حال، بر خلاف ادعای لیبرال‌های این جریان که دائماً بدنه اجتماعی و اقبال عمومی می‌گویند و خود را نماینده آحاد ملت به حساب می‌آورند، طرح‌های رفرمیستی آنها به دلیل ناهمسازی با روحیه دینی مردم ایران، هیچگاه مورد اقبال عمومی قرار نگرفت و بحران سازی‌های اصلاح طلبان هر بار و در هر برهه و اکتش قاطع مردم را به دنبال داشت.

این قلم تلاش کرد مختصری از تاریخ تجدیدنظرطلبی اصلاح طلبان را در سه فاز نشان دهد که البته فاز نهایی را می‌توان مفصل‌تر و در مقال مجالی دیگر بحث کرد. از دوم خرداد ۷۶ تا امروز که اصلاح طلبان در فاز عملیاتی وارد شدند، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های متعددی را برای تحقق تئوری‌های خود به کار گرفته‌اند، اما به دلیل شناخت غیر دقیق از جامعه ایرانی هر بار شکست بزرگ‌تری را تجربه کردند. آنها دوره‌ای که در فاز نظری به سر می‌پرند، گمان داشتند که مردم با اعتبار زدایی از حاکمیت دینی همراه می‌شوند، اما پس از ورود به فاز عملیاتی و در دوره دوم خرداد به صخره سخت غیرت و حمیت دینی مردم ایران برخورد کردند. امروز هم در حالی بر ایده خود پای می‌فشارند که در بر همان پاشنه می‌چرخد؛ چه مزاج جامعه ایرانی با دیانت و معنویت ممزوج شده و اگرچه اشکال دینداری به اقتضای زندگی و زمانه عوض شده است، اما این به معنای تحقق تمنیات و مشتبهات حلقه «کیان» و «آیین» و گعده‌های روشنفکری اصلاح طلبان نیست. شاهد این ادعا نیز خود جمهوری اسلامی است که بیش از گذشته توفیق دارد.

آفتاب آمد دلیل آفتاب
گر دلالت باید از وی رومتاب

بحران «هموطن کشی» در آمریکا

سمیه خلیلی
روزنامه‌نگار

بیش از ۵۰ سال از زمانی که لیندون بینز جانسون، رئیس جمهور وقت آمریکا اعلام کرد «اسلحه ابزار اصلی مرگ و جنایت در امریکاست» می‌گذرد بی آنکه تا به امروز تغییری در روند خرید و فروش سلاح‌های جنگی در میان مردم عادی در این کشور ایجاد شده باشد. در زمانی که لیندون بینز جانسون به چرخش آزادانه سلاح گرم میان مردم کشورش اعتراض کرد، تنها ۹۰ میلیون اسلحه در کشور در حال خرید و فروش بود. امروز ولی این تعداد بسیار بیشتر از هر کشوری در جهان است به طوری که آمریکا را در خشونت‌های مسلحانه و مرگ و میرهای ناشی از سلاح‌های جنگی رکورددار کشورهای جهان کرده است. این واقعیت در طول این سال‌ها آنچنان به زندگی مردم آمریکا گره خورده که آنها مرگ ناشی از خشونت‌های سلاح گرم را به عنوان یکی از راه‌های معمول کشته شدن در زندگی خود می‌دانند. بین سال‌های ۱۹۶۸ تا سال ۲۰۱۷ بیش از ۱.۵ میلیون نفر در خشونت‌های مسلحانه کشته شدند که این تعداد بسیار بیشتر از کل کشته‌های نظامیان آمریکایی در هر درگیری از زمان جنگ استقلال در آمریکا در سال ۱۷۷۵ در این کشور است.

تنها در سال ۲۰۲۰ بیش از ۴۵ هزار آمریکایی بر اثر یک خشونت مسلحانه در داخل کشور و به دست هموطن خود کشته شده‌اند. این رقم تا به امروز بالاترین میزان مرگ و میر بر اثر استفاده از سلاح‌های جنگی در آمریکا را به خود اختصاص داده است. این رقم نشان می‌دهد که خشونت‌های ناشی از استفاده از سلاح‌های گرم در آمریکا نسبت به ۵ سال گذشته ۲۵ درصد و نسبت به سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۳ درصد افزایش داشته است. این موضوع اما بیشتر از آنکه یک معضل اجتماعی در بطن جامعه آمریکا به حساب بیاید، یک کشمکش سیاسی است که در طول سال‌های متعددی لایه‌های مختلف سیاسی و سازندگان اصلی سلاح گرم در این کشور را رو در روی هم قرار داده است.

در حالی که تخمین آماری دقیق از تعداد اسلحه‌هایی که در اختیار مردم عادی در یک جامعه است، کار بسیار دشواری است اما یک مؤسسه پژوهشی تحقیقاتی مستقر در سوئیس در تحقیقاتی میدانی در سال ۲۰۱۸ برآورد کرده بود بیش از ۳۹۰ میلیون سلاح گرم تنها در جامعه آمریکا و میان عموم مردم در حال گردش بوده است.

گزارش‌های این مؤسسه نشان می‌دهد در جامعه آمریکا به ازای هر ۱۰۰ نفر ۱۲۰.۵ اسلحه گرم وجود دارد که این رقم بسیار بیشتر از هر کشوری در جهان است. بررسی سایر داده‌های آماری نشان می‌دهد خرید و فروش اسلحه در آمریکا در سال‌های اخیر به طرز چشمگیری رشد داشته و براساس آخرین گزارش‌ها بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ بیش از ۷.۵ میلیون آمریکایی برای نخستین بار سلاح گرم شخصی خریداری کرده‌اند که باز هم این رقم نسبت به سایر داده‌ها رقمی قابل توجه است.

یک مطالعه جدید توسط بنیاد کودکان در آمریکا نشان می‌دهد از زمان آغاز همه‌گیری کرونا در جهان آسیب‌های اجتماعی ناشی از استفاده از سلاح گرم در بین کودکان و نوجوانان آمریکایی شدت یافته است و تعداد نوجوانانی که در طول این سال‌ها سلاح گرم شخصی خریداری کرده‌اند، به طور قابل توجهی افزایش داشته است.

طبق آمارهای رسمی در داخل آمریکا تنها در سال ۲۰۲۱ حدود ۵۴ درصد از مرگ و میرها در این کشور بر اثر استفاده از سلاح گرم بوده که این می‌تواند عددی قابل ملاحظه در مقایسه با سایر معیارهای اجتماعی در ۵ سال اخیر باشد.

یک مطالعه دانشگاهی در سال ۲۰۱۶ در آمریکا نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستقیم میان میزان مالکیت اسلحه با آمار بالای خودکشی میان زنان و مردان آمریکایی وجود دارد.

این آمار و ارقام در سال‌های اخیر منبعی برای متقاضی شرکت در مزایده می‌بایست مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیون ریال) به شماره حساب ۴۰۰۰۵۰۵۸۰۳۰۴۹۹۲ نزد بانک مرکزی جهت خرید اسناد مزایده بپردازد.

زمان و محل ارائه پاکت الف، اصل ضمانت‌نامه معتبر شرکت در فرآیند ارجاع کار تا ساعت ۱۴:۰۰ بعد از ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ به دستگاه مزایده‌گزار آریه آدرس تهران- خیابان ولیعصر (عج) - ابتدای اتوبان آیت اله هاشمی رفسنجانی (نیایش) - مجموعه ورزشی انقلاب - ساختمان شرکت



تظاهرات سالانه گسترده با عنوان «راهپیمایی برای زندگی ما» علیه خشونت با اسلحه در شیکاگو، مارس ۲۰۱۸

عایدشان می‌شود. براساس تحقیقات انجام شده میان احزاب سیاسی در آمریکا، دموکرات‌ها بیشتر طرفدار وضع قوانین سختگیرانه در مورد حمل و خرید و فروش سلاح گرم هستند و جمهوریخواهان بر عکس آنها اعتقادی به محدود کردن گردش اسلحه در جامعه خود ندارند. از طرفی دیگر انجمن ملی سلاح گرم آمریکا سال‌هاست که به یکی از قدرتمندترین لابی‌های طرفدار خرید و فروش سلاح در جامعه آمریکا تبدیل شده است. این انجمن با در اختیار داشتن بودجه‌های کلان تأثیر و نفوذ زیادی بر اعضای کنگره و قانونگذاران آمریکا در وضع سیاستی واحد در زمینه حمل سلاح گرم دارد.

آمارها نشان می‌دهد طی چندین دوره انتخابات گذشته این انجمن بیش از هر گروه سیاسی دیگر برای پیشبرد اهداف خود در میان مقامات آمریکایی و طرفداران احزاب مختلف برای به رسمیت شناختن حق حمل سلاح گرم در جامعه آمریکا هزینه کرده است. حتی در برهه‌های از زمان انجمن ملی سلاح گرم آمریکا به دلیل برخی اتفاقات داخلی اعلام ورشکستگی کرد. اما حتی در این دوران هم متعهد شد تا در زمینه مقابله با فعالیت‌های ضد متمم دوم، ارتقای ایمنی و آموزش استفاده از سلاح گرم و پیشبرد برنامه‌های عمومی برای استفاده از اسلحه در سراسر آمریکا اقدام کند.

طی چندین دوره از انتخابات مختلف در آمریکا این لابی بیش از هر لابی دیگری در آمریکا برای تقویت طرفداران حق مالکیت اسلحه در این کشور هزینه کرده است. در این میان بسیاری از مقامات و مسئولان ایالتی در آمریکا نیز همراه این لابی طرفدار سلاح گرم شدند. برای مثال در ژوئن ۲۰۲۱، گرگ ابوت، فرماندار نگزاس لایحه حمل بدون مجوز سلاح گرم را امضا کرد تا به موجب آن هر یک از ساکنان این ایالت حق داشته باشد بدون هیچ مجوز دولتی و سازمانی اسلحه به همراه داشته باشد.

جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا نیز که از پیش از پیروزی در انتخابات به طرفدارانش وعده داده بود قوانین مشخصی برای خرید و فروش و حمل سلاح گرم وضع خواهد کرد، حالا تقریباً در نیمه‌های راه ریاست جمهوری خود نه تنها هیچ اقدامی در این راستا نوانسته انجام دهد بلکه در سال اخیر مرگ روزها بیشتر از آن که به فکر جان مردم کشورشان باشند، به فکر پر کردن جیب‌های خود و انباشتن سودهای کلان ناشی از خرید و فروش اسلحه به هموطنان خود در مقایسه با سال ۲۰۱۴ رسیده است. این نشان می‌دهد که جامعه آمریکا و سرمایه‌داران آمریکایی این روزها بیشتر از آن که به فکر جان مردم کشورشان باشند، به فکر پر کردن جیب‌های خود و انباشتن سودهای کلان ناشی از خرید و فروش اسلحه به هموطنان خود هستند. همان طور که در بالا به آن اشاره شد، این موضوع بیش از آنکه مسأله‌ای اجتماعی و چالشی عمومی برای جامعه آمریکا باشد، بیشتر یک اختلاف پیچیده سیاسی میان مقامات آمریکا و سران احزاب سیاسی است؛ افرادی که هر کدام به نوعی در سهام کمپانی‌های اسلحه‌سازی نقش دارند و منفعتی از آن

تنها در سال ۲۰۲۰ بیش از ۴۵ هزار آمریکایی بر اثر یک خشونت مسلحانه در داخل کشور و به دست هموطن خود کشته شده‌اند. این رقم تا به امروز بالاترین میزان مرگ و میر بر اثر استفاده از سلاح‌های جنگی در آمریکا را به خود اختصاص داده است. این رقم نشان می‌دهد که خشونت‌های ناشی از استفاده از سلاح‌های گرم در آمریکا نسبت به ۵ سال گذشته ۲۵ درصد و نسبت به سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۳ درصد افزایش داشته است.

یک مطالعه جدید توسط بنیاد کودکان در آمریکا نشان می‌دهد از زمان آغاز همه‌گیری کرونا در جهان آسیب‌های اجتماعی ناشی از استفاده از سلاح گرم در بین کودکان و نوجوانان آمریکایی شدت یافته است و تعداد نوجوانانی که در طول این سال‌ها سلاح گرم شخصی خریداری کرده‌اند، به طور قابل توجهی افزایش داشته است.

طبق آمارهای رسمی در داخل آمریکا تنها در سال ۲۰۲۱ حدود ۵۴ درصد از مرگ و میرها در این کشور بر اثر استفاده از سلاح گرم بوده که این می‌تواند عددی قابل ملاحظه در مقایسه با سایر معیارهای اجتماعی در ۵ سال اخیر باشد.

یک مطالعه دانشگاهی در سال ۲۰۱۶ در آمریکا نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستقیم میان میزان مالکیت اسلحه با آمار بالای خودکشی میان زنان و مردان آمریکایی وجود دارد.

این آمار و ارقام در سال‌های اخیر منبعی برای متقاضی شرکت در مزایده می‌بایست مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیون ریال) به شماره حساب ۴۰۰۰۵۰۵۸۰۳۰۴۹۹۲ نزد بانک مرکزی جهت خرید اسناد مزایده بپردازد.

زمان و محل ارائه پاکت الف، اصل ضمانت‌نامه معتبر شرکت در فرآیند ارجاع کار تا ساعت ۱۴:۰۰ بعد از ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ به دستگاه مزایده‌گزار آریه آدرس تهران- خیابان ولیعصر (عج) - ابتدای اتوبان آیت اله هاشمی رفسنجانی (نیایش) - مجموعه ورزشی انقلاب - ساختمان شرکت

توسعه و نگهداری اماکن ورزشی دبیرخانه تسلیم نموده و رسیدن آن را دریافت نمایند.

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه، مرکز تماس: ۰۲۱-۴۹۹۳۴۰۳۱

سامانه تدارکاتی الکترونیکی دولت (ستاد) www.setadiran.ir

بازگشایی پاکت با بیش از یک مزایده‌گر انجام خواهد شد.

هزینه چاپ آگهی و کارشناسی تعیین پایه مزایده بعهده برنده مزایده است.

درج این آگهی هیچ‌گونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گزار ایجاد نمی‌نماید.

شرکت در قبول و یارده همه یا هر یک از پیشنهادهای واصله مختار خواهد بود.

جهت اطلاع بیشتر به سایت پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات کشور به آدرس: <http://iets.mporg.ir> یا به سایت شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی به آدرس www.tanavar.ir مراجعه نمایند.

مبلغ تضمین شرکت در مزایده

مبلغ پایه کارشناسی مزایده (سه ساله)

شماره فراخوان

موضوع مزایده

ردیف

۱. سالن چند منظوره شهید افراسیابی در مجموعه ورزشی شهید شیرودی

۲. بهره برداری از یک باب کانکس تاکسی سرویس در مجموعه ورزشی کبکانیان تهران

۳. بهره برداری از کافی شاپ جنب زمین تنیس در مجموعه ورزشی شهید شیرودی

نام و نشانی مزایده‌گزار: شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور به آدرس: تهران، ابتدای اتوبان آیت اله هاشمی رفسنجانی، مجموعه ورزشی انقلاب تلعن: ۲۳۰۷۹۱۵۸

نوع تضمین شرکت در مزایده: به صورت یکی از موارد ذیل: الف (ضمانت‌نامه بانکی معتبر رب (وجه نقد واریز به شماره حساب شبا ۴۰۰۰۵۰۵۸۰۳۰۴۹۹۲ نزد بانک مرکزی به نام توسعه و جووه سپرده هنر بنیاد شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور (مشخصات شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی کشور: کد اقتصادی ۴۱۱۱۱۱۶۷۸۷۳ - شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۵۵۵۵۵۰ - شماره ثبت ۱۱۸۱۳۵)

مهلت زمان دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد: از روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ لغایت ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ و آخرین مهلت تسلیم پیشنهادهای: ساعت ۱۳ عصر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ می‌باشد.

دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ می‌باشد.

۱۳۳۴-۱۳۳۵